

Epistel – 1. Johannes 4, 7-12

ای حبیان، یکدیگر را محبت بنماییم زیرا که محبت از خداست و هر که محبت می‌نماید از خدا مولود شده است و خدا را می‌شناسد و کسی که محبت نمی‌نماید، خدا را نمی‌شناسد زیرا خدا محبت است و محبت خدا به ما ظاهر شده است به اینکه خدا پسر یگانه خود را به جهان فرستاده است تا به وی زیست نمایم و محبت در همین است، نه آنکه ما خدا را محبت نمودیم، بلکه اینکه او ما را محبت نمود و پسر خود را فرستاد تا کفاره گناهان ما شود. ای حبیان، اگر خدا با ما چنین محبت نمود، ما نیز می‌باید یکدیگر را محبت نمایم کسی هرگز خدا را ندید؛ اگر یکدیگر را محبت نمایم، خدا در ما ساکن است و محبت او در ما کامل شده است. از این می‌دانیم که در وی ساکنیم و او در ما زیرا که از روح خود به ما داده است و ما دیده‌ایم و شهادت می‌دهیم که پدر پسر را فرستاد تا نجات‌دهنده جهان بشود.

Evangelium – Lukas 10, 25-37

ناگاه یکی از فقها برخاسته، از روی امتحان به وی گفت، ای استاد چه کنم تا وارث حیات جاودانی گردم؟ به وی گفت، در تورات چه نوشته شده است و چگونه می‌خوانی؟ جواب داده، گفت، اینکه خداوند خدای خود را به تمام دل و تمام نفس و تمام توانایی و تمام فکر خود محبت نما و همسایه خود را مثل نفس خود. گفت، نیکو جواب گفتی. چنین بکن که خواهی زیست. لیکن او چون خواست خود را عادل نماید، به عیسی گفت، و همسایه من کیست؟ عیسی در جواب وی گفت، مردی که از اورشلیم به سوی اریحا می‌رفت، به دستهای دزدان افتاد و او را برهنه کرده، مجروح ساختند و او را نیم مرده واگذارده،

برفتند.

اتفاقاً کاهنی از آن راه می‌آمد، چون او را بدید از کناره دیگر رفت همچنین شخصی لای نیز از آنجا عبور کرده، نزدیک آمد و بر او نگریسته از کناره دیگر برفت. لیکن شخصی سامری که مسافر بود، نزد وی آمده، چون او را بدید، دلش بر وی بسوخت. پس پیش آمده، بر زخمهای او روغن و شراب ریخته، آنها را بست و او را بر مرکب خود سوار کرده، به کاروانسرای رسانید و خدمت او کرد. بامدادان چون روانه می‌شد، دو دینار درآورده، به سرایدار داد و بدو گفت این شخص را متوجه باش و آنچه بیش از این خرج کنی، در حین مراجعت به تو دهم پس به نظر تو کدام یک از این سه نفر همسایه بود با آن شخص که به دست دزدان افتاد؟ گفت، آنکه بر او رحمت کرد. عیسی وی را گفت، برو و تو نیز همچنان کن.

Predigttext – Matthäus 6, 1-4

زنهار عدالت خود را پیش مردم بجا میاورید تا شما را ببینند، و الا نزد پدر خود که در آسمان است، اجری ندارید. پس چون صدقه دهی، پیش خود گزنا منواز چنانکه رباکاران در کنایس و بازارها می‌کنند، تا نزد مردم اکرام یابند. هرآینه به شما می‌گویم اجر خود را یافته‌اند، بلکه تو چون صدقه دهی، دست چپ تو از آنچه دست راستت می‌کند مطلع نشود تا صدقه تو در نهان باشد و پدر نهان بین تو، تو را آشکارا اجر خواهد داد. خواننده های عزیز

صدقه دادن به چه شکلی می باشد؟ به چه شکلی با کارهای خوب ما است؟ هدف از آنها چیست؟ و از روی کدام دلیل آنها را انجام می دهیم؟ عیسی به ما می گوید که چه کار باید در هنگام کار خوب نباید انجام دهیم.

باشد. مادر بزرگ به مادر دختر میگوید که او یک ایفون دوست دارد داشته باشد و یک لباس مخصوص این روز تدارک دیده شده است سفید و زیبا. همه شاد و خوشحال می گردند و غافلگیر می شوند. در زمان پذیرش در کلیسا پذیرش شوندگان کمتری دیده می شوند. و قبل از اینکه ایفون 6 جای ایفون 5 او را بگیرد او قولی که در زمان پذیرش خود بایستی می گفت را فراموش کرد. هدیه او را کمی ثروتمند کرد ولی در پیشگاه خدا او فقیر شده است

کشیش در کلیسا شناخته شده است و او را دوست دارند. او یک مرد خوب است و می داند چگونه برکات خود را برای ادم ها روانه کند. بعد از خطبه او اجتماع کلیسا احساس خوبی به آنها دست می دهد. مراسم های شب ایشان بسیار جالب و دیدنی هستند. الان یک سوالی اینجا مطرح می گردد که آیا او طبق حرف های خدا عمل می کند و به ان گوش می کند یا از روی عادت و شخصا دست به این کارها می زند و برای مردم کارهای خوب انجام می دهد. جواب این سوال هم چنان ساده نمی باشد. آیا هرکسی یک کاری را برای نشان دادن خود انجام می دهد؟ تا خود را به همه بشناساند؟ ما کارهای خوب خود را برای اینکه شناخته گردیم انجام می دهیم؟ زندگی ما فقط یک صحنه نمایش می باشد؟ این گونه است که ما انسان ها به توجه و شناخته شدن از طرف دیگران نیازمندیم. این یک احساس مخصوصی می باشد که مهمتر از احساس های دیگرمان است که پیش همه تایید بشویم و مورد قضاوت صحیح قرار بگیریم. در میان یک زوج یا خانواده و یا دوستان و یا در محل کار اینگونه می باشد. برای پناهندگان نیز در دادگاه اعمال و ایمان آنها از طریق قاضی در تمام زندگیشان تغییر می کند. ما همچنین باید دیدی مثبت به اطراف داشته باشیم و در نور و مفهوم و یک ارزش همه چیز را بنگریم

مشکل اینجاست که ما نمی توانیم این رفتار خوب را تا بعد از دادگاه مان ادامه دهیم و دنبال کنیم. و یک مرز و محدوده زمانی خاصی این کارها دارند. و بعد از دریافت جواب مثبت از دادگاه تازه انسان از مشکلات دیگری اطلاع پیدا می کند. در بین خانواده ها و زوج ها و کار بی توجهی و بی وفایی و اخراج و صدها نکات منفی دیگر وجود دارد. ما هم یک روزی دچار شک و تردید می شویم. اگر

مواظب اعمال خوب خود باشید که مبادا توسط افراد دیده شود. هدف از کارهای ما این است که آنها را دیگران نبینند تا بدینوسیله ما نزد آنها عزیز و گرامی شویم و یک جایگاهی در بین آنها پیدا کنیم

اگر تو کار نیکو یا صدقه می دهی نباید عنوان بکنی انرا. همانند ریاکاران که با ان کارشان مورد ستایش دیگران قرار می گیرند. ما نباید کارهای مان را نمایش دهیم. نه در کلیسا و نه در جهان حتی. شناختی که ما می توانیم فقط کسب بکنیم یک شناخت انسانی است که در روی زمین ان را میتوان یافت. بدینصورت که زمانی که دست چپ تو صدقه می دهد نباید دست راستت با خیر شود حتی ما نباید از کارهای خوب خود به خود بیالیم و از خود راضی گردیم. ما باید آنها را حتی از وجدان و ذهن خود پاک کنیم

ریاکاری و نشان دادن بیخود از کارهای مان مناسب اصول و عدالت عیسی مسیح نمی باشد

دین داری و کارهای انسانی مسیحی کاملا متغایر با خود نمایی می باشد. یک بازیگر که فقط در یک اتاق نمایش می دهد معنی و مفهومی از ان پیدا نمی شود و کار ان بیفایده است همانگونه است که ما بعنوان یک مسیحی بخواهیم توسط کارهای خود مان دیگران را تحت تاثیر قرار دهیم

دیگر ما دیگر یک مسیحی نمیباشیم بلکه یک بازیگر. زندگی مان به چه صورت است؟ برای ما این گونه است که در این جهان یا ما در این جا در دینمان به عنوان یک ادم خوب باشیم. یا ما برای دیگران نقش بازی می کنیم؟

در دادگاهی که یک پناهنده در ان قرار می گیرد باید او از ایمان خود توضیح بدهد. او این کار را با کمک کشیش انجام می دهد. بدینصورت که او در کلاس های انجیل شرکت می کند. و در اجتماع ما قرار داشته و کلاس های غسل تعمید را حاضر بوده. چند ماه دیگر جواب ایشان از دادگاه مثبت می آید. او یک کیک برای همه در کلاس انجیل می آورد و بعد از مدتی دیگر خبری از ان نمی شود و دیگر به کلاس نمی آید. در عمل او ایشان از دادگاه پناهندگی یک اقامت را دریافت می کند و لی در جایگاه خدا به شکل دیگری رقم می خورد

برای یک زنی که می خواهد پذیرش کلیسا گردد منتظر یک هدیه بزرگ می

گناهان تو بخشیده می‌گردد و تو دیگر یک انسان تازه ای گشته ای. این شناخت همیشه بدین گونه می‌ماند. و آنها غیر قابل درک و احساس می‌باشند و تغییر ناپذیر هستند. آنها بر تو تاثیر می‌گذارند وقتی تو شک داشته باشی و یا آنها بصورت کارهای انسانی به نظر نیایند.

برای همین هم آنها برای شما فایده ای ندارند که با آنها بازی کنید تا به نظر آید. شما نیازی ندارید که به خود دروغی بگویید و نام خود را بزرگ جلوه کنید و یک نمایش بازی کنید. برای اینکه در نزد خود بهتر شوید. یک نمایش در زندگی کمکی به ادم نمی‌کند بلکه ضرر آن چند برابر می‌باشد. خدا از دست ما ناراحت می‌گردد وقتی ما اینگونه رفتار می‌کنیم چون از روی برکات و بخشش و لطف او ما استفاده نادرست می‌کنیم. به گناهایی که ما مرتکب شده ایم نیز به آنها بدین روش هیچ کمکی نمی‌شود. و یک راه اشتباهی را در زندگیمان به عنوان یک مسیحی پیش می‌گیریم. عیسی در ما زندگی می‌کند و برای ما قصه می‌خورد تا خدا سرفراز گردد و انسانهای محتاج نیز به ملکوت او برسند. این دقیقا درست است و این تنها راهی است که باقی می‌ماند که اعتبار دارد

. متشکر از خدا هستیم

.آمین

چنین نگردد ما یا کور شده ایم یا یک بازیگر خوبی هستیم. این کارهایی است که من انجام می‌دهم آیا این کارها ارزش دارند و من را به یک مقصد خوب می‌برند و یا فایده ای ندارند. یک دید از خود و شناخت از خود و از صورتمان کمک خوبی برای این کار می‌باشد. ولی در دراز مدت یک راه حل مناسب نمی‌باشد. حالا راه حل چیست؟ این راه حل به یک تصمیم روشن در زندگیمان بستگی دارد. من بایستی کاملا آگاهانه از شناخته شدن و در دید بودن و احترام چشم پوشی کنم؟ و بایستی طوری برنامه ریزی کنم که کارهای خوب خود را از همه پنهان کنم؟ یا مغز خود را به دو قسمت کنم تا آن طرف از طرف دیگر مغزم باخبر نشود که آن چه عملی انجام داده است؟

برای من این امکان پذیر نمی‌باشد جواب سوال در جایی دیگر قرار دارد. عیسی جواب این سوال را به خوبی می‌داند و در ایه های خود می‌گوید اگر دست راست تو کار خوبی انجام می‌دهد نباید دست چپ تو از کارش باخبر گردد. دید انسانی همیشه غیر امکان است ولی در دیدگاه خداوند همه چیز امکان پذیر. بعد از زمان غسل تعمید دیگر تو تنها در خانه نیستی بلکه آقای تو عیسی در تو می‌باشد و در وجود تو قرار دارد. یک روح دیگر و یک چیز روحانی در تو زندگی می‌کند. عیسی در خانه قلبت اسباب کشی کرده است. همانندی که او 2000 سال پیش در مریم باکره قرار گرفته شد در زمان غسل تو هم توسط اب مقدس و کلام او در تو قرار گرفته. همانگونه که او به عنوان یک انسان در زمین حاضر گشت او نیز در تو پدیدار گشته و تاثیر می‌گذارد. اگر خدا تو را بنگرد تو او را هم خواهی دید عیسی را. او همچنین کارهایی که عیسی برای تو انجام داده است را می‌بیند. او هنوز هم کارهایی که عیسی برای تو الان هم انجام می‌دهد را می‌بیند بدون اینکه تو از آنها باخبر شوی. عیسی نقش خود را بعنوان یک ناجی جالبتر و بهتر از آن چیزی انجام می‌دهد که ما فکرش را می‌کنیم و انتظار داریم. او خود خدا است و او بدون صرف نظر از هر چیزی کارها و برکات خود را به ما می‌دهد. او از چیزهایی ساده ای که دارد استفاده می‌کند مثل کلام خود محبت و ایمان و اجتماع و مراسم عبادت خود. کوچک و نامرئی و بدون نمایش دادن است. شناختی که ما عیسی مسیح داریم این است که اینجا